

دعای روز دوازدهم

اللَّهُمَّ زَيِّتِي فِيهِ بِالسَّيْرِ وَالْعَفَافِ وَ اسْتُرْنِي فِيهِ بِبِلَاسِ الْقُنُوعِ وَالْكَفَافِ وَ اَحْمِلْنِي فِيهِ عَلَى الْعَدْلِ وَالْإِنْصَافِ وَ آمَنِي فِيهِ مِنْ كُلِّ مَا أَخَافُ بِعِصْمَتِكَ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِينَ؛ خدایا در این روز مرا به زیور ستر و عفت نفس بیارای و به جامه قناعت و کفاف بیوشان و به کار عدل و انصاف بدار و از هر چه ترسانم مرا ایمن ساز به نگهداری خود ای نگهدار و عصمت بخش خدا ترسان عالم



نسخه شفابخش

علامه طباطبایی^ع فرمود: آقای ادیب که از شاگردان برادر من، آقا سید محمدحسن بود، چون روح مرحوم قاضی^ع را حاضر کرده بود و از رفتار من سؤال کرده بود، فرموده بود: روش او بسیار پسندیده است، فقط عیبی که دارد آن است که پدرش از او ناراضی است و می گوید: در ثواب تفسیری که نوشته است مرا سهیم نکرده است. چون این مطلب را برادر من از تبریز به من نوشت، من با خود گفتم: من برای خودم در این تفسیر ثوابی نمی دیدم تا آن که آن را هدیه به پدرم کنم. خداوند اگر تو برای این تفسیر ثوابی مقدر فرموده ای، همه آن را به والدین من عنایت کن و ما همه را به آن ها اهداء می کنیم! پس از یکی دو روز کاغذ دیگری از برادر من آمد که در آن نوشته بود: چون روح مرحوم قاضی را احضار کرد، مرحوم قاضی فرموده بودند: اینک پدر از سید محمدحسین راضی شده و به واسطه شرکت در ثواب بسیار مسرور است. از این اهداء ثواب هم هیچکس خبر نداشت.

حروف مقطعه در قرآن

برای حروف مقطعه تفاسیر متعددی شده است که به چند مورد اشاره می شود:

۱. این حروف اشاره به آن دارد که این کتاب آسمانی با آن عظمت و اهمیتی که دارد آن گونه که تمام ادبا و سخنوران عرب را به عجز نمانده از همین حروف که در اختیار همگان است تشکیل شده است. در عین این که قرآن از این حروف ترکیب یافته است ولی به طوری است که افکار و عقول را در برابر خود به تعظیم واداشته و مردم را هم به تحدی طلبیده است. در روایات هم به این معنا گواه است.^۱
۲. علامه طباطبایی می فرماید: با تدبیر در سوره هایی که حروف مقطعه همسان دارند، در می یابیم که مضامین همسان هم دارند. مثلاً سوره هایی که با ال، الر، طس، حم، شروع می شوند، در مضمون هم همسان هستند. مثلاً سوره هایی که با «الر» شروع می شوند، مضمون تلک آیات الکتاب دارند یا سوره هایی که با الم شروع می شوند مضمون نفی ریب از قرآن دارند.^۲
۳. حروف مقطعه در اوایل برخی سوره ها نشانه به کار رفتن این حروف در کلمات آن سوره است. مثلاً حرف «ق» در سوره «ق» و حم عسق ۵۷ بار تکرار شده است و نسبت به حروف دیگر بیشتر است.
۴. برخی از این حروف علامت اختصاری و اشاره به اسمی از اسماء الهی و برخی اشاره به نام پیامبر ﷺ است، و به این معنا در بعضی از روایات اشاره شده است که (الف، لام، میم) اشاره به انا الله الملك است، و (الم) اشاره به انا الله المجید است.^۳
۵. این حروف، رمز و سری میان خداوند سبحان و حبیب او (رسول اکرم ﷺ) است و مراد فهماندن دیگران نیست و روایات به این معنا اشاره شده است.^۴

۱. بکرالدین عبدالله زرکشی، البرهان فی علوم القرآن (بیروت، نشر دارالمعرفه، ج ۱، ص ۲۵۵).

۲. المیزان، علامه طباطبائی، (انتشارات اسلامی)، ج ۱۸، ص ۸.

۳. تفسیر القرآن الکریم، (محمد بن ابراهیم صدرالدین الشیرازی، انتشارات بیدار)، ج ۱، ص ۱۹۷.

۴. همان.

پیجره ای روبه آسمان

إلهی قُصِّرَتِ الْأَلْسُنُ عَنْ بُلُوغِ ثَنَائِكَ كَمَا يَلِيقُ بِجَلَالِكَ، وَجَزَّتِ الْعُقُولُ عَنْ إِدْرَاكِ كُنْهِ جَمَالِكَ، وَانْحَسَرَتِ الْأَبْصَارُ دُونَ النَّظَرِ إِلَى سُبْحَاتِ وَجْهِكَ وَلَمْ تَجْعَلْ لِلْخَلْقِ طَرِيقاً إِلَى مَعْرِفَتِكَ إِلَّا بِالْعَجْزِ عَنْ مَعْرِفَتِكَ

خدایا زبان ها ناتوان است از رسیدن به ثنای تو آن طور که شایسته جلال تو است و عقل ها عاجز است از ادراک کنه جمالت و دیده ها تار و بی فروغ ماند از نظر کردن به سوی انوار ذاتت و قرار ندادی برای خلق خود راهی به سوی درکات جز به اظهار عجز از شناسائیت

إلهی فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَرَسَّخَتْ أَشْجَارُ الشُّوقِ إِلَيْكَ فِي خَدَائِقِ صُدُورِهِمْ، وَأَخَذَتْ لَوْعَةُ مَحَبَّتِكَ بِمَجَامِعِ قُلُوبِهِمْ

خدایا پس ما را از کسانی قرار ده که درخت های شوق به سوی تو در باغ های سینه شان ریشه دوانده و شعله های عشق تو آتش به دل هایشان زده است

فَهُمْ إِلَى أَوْكَارِ الْأَفْكَارِ يَأْوُونَ، وَفِي رِيَاضِ الْقُرْبِ وَالْمُكَاشَفَةِ يَتَعَوَّنَ، وَمِنْ حِيَاضِ الْمَحَبَّةِ بِكَاسِ الْمُلَاطَفَةِ يَكْرَعُونَ، وَسَرَايِعِ الْمَصَافَاتِ يَرُدُّونَ، قَدْ كُشِفَ الْغِطَاءُ عَنْ أَبْصَارِهِمْ

پس آن ها به آشیانه های اندیشه ها جای گیرند و در چمن زارهای قرب به تو، به چراگاه مکاشفه آمده اند و از چشمه عشق تو با جام های لطف تو می بنوشند و در کنار نهرهای صفا وارد گشته اند در حالی که پرده از پیش دیدگان شان برداشته شده است.

وَأُجِلَّتْ ظُلُمَةُ الرِّيبِ عَنْ عَقَائِدِهِمْ وَضَمَائِرِهِمْ، وَانْتَفَقَتْ مُحَاجَّةُ الشَّكِّ عَنْ قُلُوبِهِمْ وَسَرَّاءُ رِجْلِهِمْ، وَأَنْشَرَحَتْ بِتَحْقِيقِ الْمَعْرِفَةِ صُدُورُهُمْ، وَعَلَتْ لِسْبِقِ السَّعَادَةِ فِي الزَّهَادَةِ هَمْمُهُمْ، وَعَذَبَ فِي مَعِينِ الْمُعَامَلَةِ شَرُّهُمْ، وَطَابَ فِي مَجْلِسِ الْأُنْسِ سُرُّهُمْ، وَأَمِنَ فِي مَوْطِنِ الْمُخَافَةِ...

و تاریکی شبهه و تردید از صفحه عقاید و نهادشان برداشته شده و یکسره خلجان شک و ریب از دل ها و درونشان بیرون رفته و دریچه های سینه شان به واسطه استوار شدن معرفت بازگشته و همت هاشان برای پیشی گرفتن در خوشبختی در اثر پارسایی بلند گردیده و نوشیدنی هاشان در چشمه کردار شیرین و گوارا شده و درونشان در محفل انس با تو پاکیزه گشته و از بی راهه های وهم و چند راهه های ریب خلاصی یافته اند.

فرزیهایی از مناجات عارفین، خمس عشر

قَالَ الْإِمَامُ الْحُسَيْنُ الْمُجْتَبَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ): وَ إِنَّا حُبْنَا لِيُسَاقِطَ الذُّنُوبَ مِنْ بَنِي آدَمَ، كَمَا يُسَاقِطُ الرِّيحُ الْوَرَقَ مِنَ الشَّجَرِ؛ هَمَانَا مَحَبَّتٌ وَ دُوسْتِي بَا مَا (اهل بیت رسول الله ﷺ) سبب ریزش گناهان از نامه اعمال می شود، همان طوری که وزش باد، برگ درختان را می ریزد

بحارالأنوار، ج ۴۴، ص ۳۳، ح ۷.

پرسمان

اگر در این مملکت کسی مسئول نهی از منکر هست پس این همه گناه و منکرات برای چه؟

در این باره می توان به این عوامل اشاره کرد:

۱. **جهالت مردم به وظیفه شرعی و دینی خود در قبال یکدیگر:** برداشت و فهم نادرست در انجام این وظیفه شرعی و نیز فراموشی و تغافل از این اصل، از مجموعه دلایلی هستند که موجب رواج منکرات در جامعه شده اند. شهید مطهری در این باره می فرماید: اساساً آنچه بیشتر جای تأسف است این است که این فکرها به کلی از فکر مسلمین خارج شده، آن چیزهایی را که آنروز جزو وظیفه حسبه می دانسته اند و به نام حسبه امر به معروف و نهی از منکر، امور اجتماعی خود را اصلاح می کردند اساساً جزو امور دینی شمرده نمی شود، اگر احیاناً کسی در فکر امر به معروف و نهی از منکر بیفتد فکر نمی کند که آن اصلاحات هم جزو این وظیفه و تکلیف است، یعنی معروف و منکر آن معنای وسیع خود را از دست داده و محدود شده اند به یک سلسله مسائل عبادی که بدیختانه آن هم عملی نمی شود.^۱

۲. **تساهل و تسامح و بی اعتنایی مردم نسبت به این اصل:** در این باره استاد شهید می فرماید: «یک نفر در جامعه مشغول فساد می شود، مرتکب منکرات می شود. یکی نگاه می کند می گوید به من چه؟ دیگری می گوید من و او را که در یک قبر دفن نمی کنند. فکر نمی کند که مثل جامعه، مثل کشتی است. اگر در یک کشتی آب وارد بشود، ولو از جایگاه یک فرد وارد بشود، تنها آن فرد را غرق نمی کند بلکه همه مسافری را یک جا غرق می کند.^۲

۳. **تجمل گرایی و غرب گرایی در بین مرتکبان به مفاسد و منکرات:** یکی دیگر از عوامل افزایش این امر در جامعه تجمل گرایی و غرب گرایی است. این کار نوعی پیروی از هوس های خود و یا خواسته دیگران نیز می تواند به حساب آید. خداوند متعال ما را از این امر برحذر داشته است: «وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ؟» از هوی و هوس پیروی مکن که تو را از راه خدا گمراه می سازد. و یا آن جا که می فرماید: «وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا»؛ از هوس های مردمی که پیش از این گمراه شدند و بسیاری را به گمراهی کشیده اند، پیروی نکنید. مقام معظم رهبری در این زمینه فرموده اند: آمریکایی ها می گویند حجاب شما از بین برود، مرزهای اخلاقی و دینی شکسته شود، حکومت قرآن و انطباق قوانین با اسلام که جزء قانون اساسی است، نباید باشد.^۳ «لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ وَ لَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا...»؛ شیطان را نپرستید، قطعاً او دشمن آشکار شماست و این که مرا پرستید، این راه راست است، و او بسیاری از شما را گمراه ساخت.^۴

سایت پرسمان نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری

۱. مرتضی مطهری، ده گفتار، ج ۱، ص ۷۸. ۲. سیری در سیره نبوی، ج ۱ ص ۲۷۹. ۳. صاد، ۲۶.

۴. مائده، ۷۷. ۵. محمد اسحاق مسعودی؛ اصلاحات و امر به معروف و نهی از منکر؛ ص ۲۵. ۶. یس، ۶۱.

دزدی ایمان

نقل است که در روزگاری نه چندان دور کاروانی از تجار به همراه مال التجاره فراوان به قصد تجارت راهی دیاری دوردست شد...

در میانه راه حرامیان کمین کرده به قصد غارت اموال به کاروان یورش بردند و طولی نکشید که محافظان کاروان از پای درآمده یا تسلیم گشته و دزدان به جمع آوری اموال و اثاث از روی شتران مشغول شدند...

حرامیان هرچه بود از مسکوکات و جواهرات و پارچه و هرچه ارزشمند بود به زور ستانند. در بین اموال مسروقه، یکی از حرامیان کیسه ای پر از سکه های زر یافت که بسیار مایه تعجب بود چه آن که در داخل همان کیسه به همراه سکه های زر تکه کاغذی یافت که روی آن آیه ای از قرآن در مضمون دفع بلا نوشته شده بود...

حرامی، شادی کنان کیسه را به نزد سردسته دزدان برد و تمسخرکنان اشارتی نیز به دعای دفع بلا نمود.

رئیس دزدان چون واقعه بدید دستور داد صاحب کیسه را احضار کنند...

طولی نکشید که تاجری فلک زده مویه کنان به پای سردسته حرامیان افتاد که آن کیسه از آن من بود و لعن و نفرین بسیار نثار عالم دینی نمود و همی گفت که من گول آن عالم را خوردم و تا آن لحظه معتقد بودم که دعای دفع بلا واقعا کارگر خواهد بود!

رئیس حرامیان اندکی به فکر فرو رفت سپس دستور داد کیسه زر را به صاحبش برگردانند! یکی از حرامیان برآشفست که این چه تدبیری است و مگر ما قطاع الطريق نیستیم؟! رئیس دزدان چنین پاسخ داد: ای ابله! درست است که ما دزد مال مردم ایم، اما هرگز قرار نبود که دزد ایمان مردم باشیم.

احکام روزه

آیا خوردن قرص فشار خون در حال روزه جایز است یا خیر؟

اگر خوردن آن در ماه رمضان برای درمان فشار خون ضروری باشد، اشکال ندارد، ولی با خوردن آن روزه باطل می شود.

اجوبة الاستفتائات مقام معظم رهبری

لعیفه قرآن

کسی به دیگری گفت: آیا تو مومنی؟ او در پاسخ گفت: اگر منظور تو از مومن، مومنی است که در این آیه آمده: «أَمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا» ما به خدای عالم و کتابی که به ما نازل شده ایمان آورده ایم، و مومنینم؛ ولی اگر منظورت مومنی است که در این آیه آمده است:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ»؛ مومنان آن ها هستند که چون ذکری از خدا شود دل هاشان

ترسان و لرزان شود...». خیر، مومن نیستیم.

۱. آل عمران، ۸۴. ۲. انفال، ۲.